



The Relationship between Similarity and Complementarities in Personality Factors with Marital Satisfaction

رابطه‌ی بین مشابهت و مکمل بودن در ابعاد اصلی شخصیتی زوجین با رضایت‌مندی زناشویی*

Ali Mohammadzade Ebrahimi, Farhad Jomehri, PhD,
Ahmad Borjali, PhD.

علی محمدزاده ابراهیمی^۱، دکتر فرهاد جمهری^۲،

دکتر احمد برجعلی^۳

مقدمه

Abstract

The aim of the present study is to investigate the effects of personality dimensions i.e. similarities and complementarities at Marital Satisfaction. The main sample includes 87 couples who were selected randomly from the married students of Tehran's Universities who were living in dormitory. Two instruments including ENRICH and NEO-FF-I questionnaires were used to collect the data. The data were analysed by correlation coefficient, regression and student's T. Four personality factors were revealed to be the similar dimensions. While neuroticism was considered to be the complimentary factor, extraversion, agreeableness, openness and conscientiousness were revealed to be the similarity factors respectively. The Results showed a negative relationship between neuroticism, as a complimentary factor, with marital satisfaction and a positive relationship between extraversion and agreeableness with marital satisfaction.

Keywords

similarity, complementarities, Marital Satisfaction

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی ابعاد شخصیتی مشابه و مکمل زوجین در رضایت زناشویی است. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان متاهل دانشگاه‌های دولتی شهر تهران، ساکن در خوابگاه‌های متاهلی، و حجم نمونه در برگزیده ۱۷۴ دانشجوی متاهل (۸۷ زوج) بود که از طریق انتخاب تصادفی خوشه‌ای در پژوهش شرکت داده شدند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه NEO-FF-I و پرسشنامه ENRICH به ترتیب برای گردآوری داده‌های مربوط به ابعاد اصلی شخصیت و رضایت زناشویی است. برای تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون و آزمون t استفاده شد. در این پژوهش وجود تفاوت معنادار میان ابعاد اصلی شخصیتی زوجین به منزله مکمل و عدم تفاوت معنادار به منزله مشابه بودن در آن بعد تلقی گردید. نتایج نشان داد که روان آزرده خوبی به عنوان عامل مکمل و برون‌گرایی، خوشایندی، پذیرا بودن به تجارب و وجدانی بودن به عنوان ابعاد مشابه شناسایی شدند. نتایج همچنین نشان داد که از بین ۴ عاملی که بعنوان ابعاد مشابه شناسایی شدند به ترتیب بین مشابه بودن در خوشایندی و برون‌گرایی با رضایت زناشویی رابطه معناداری وجود دارد. در مورد مکمل بودن نیز نتیجه پژوهش نشان داد که بین مکمل بودن در عامل روان آزرده خوبی با رضایت زناشویی رابطه منفی وجود دارد.

کلید واژه‌ها

مشابه بودن، مکمل بودن، رضایت زناشویی

* این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی دانشگاه علامه طباطبائی می باشد.

۱- نویسنده پاسخگو) کارشناس ارشد روانشناسی عمومی دانشگاه علامه طباطبائی، mohamadzade12@yahoo.com

۲- استادیار گروه روانشناسی بالینی دانشگاه علامه طباطبائی



رضایت زناشویی^۱ نشانگر استحکام و کارایی نظام خانواده است. خانواده و جامعه سالم از پیوندهای آگاهانه و ارتباطات سالم و بالنده زوجین شکل می‌گیرد. چنانچه پایه خانواده از استحکام لازم برخوردار نباشد تبعات منفی آن، نه تنها برای خانواده، بلکه برای کل جامعه خواهد بود.

کاهش و فقدان رضایت زناشویی یکی از مهم‌ترین علل مراجعه زوج‌ها به مشاوران و درمانگران خانواده است. سیر صعودی آمار طلاق و وجود تعارضات و آشفتگی روابط زوجین، انگیزه محققان را برای یافتن راه کارهای مناسب جهت مقابله با این پدیده اجتماعی افزایش داده است. بررسی‌های متعدد گواه این مدعا است که ازدواج‌های ناپایدار و ناآرام علاوه بر اینکه مشکلات روانشناختی و جسمانی را در زن و شوهر افزایش می‌دهند، همچنین موجب افزایش این مشکلات در فرزندان نیز می‌شوند. آمارهای موجود نشان می‌دهد که با گذشت زمان درصد مشکلات خانواده‌ها در حال افزایش است و در بعضی از کشورها مثل ایالات متحده آمریکا بیش از چهل میلیون زن و شوهر به مشاوره نیاز دارند و بیش از نیمی از اولین ازدواج‌ها به جدایی و طلاق ختم می‌شوند (واستون و همکاران ۲۰۰۰). افزایش آمار فرار دختران از منزل، کودکان خیابانی و بزه کاری کودکان و نوجوانان در کشور ما ارتباط مستقیم با میزان خانواده‌های آشفته و طلاق دارد. نکته حائز اهمیت این است که فقدان جو سالم در خانواده، یکی از موانع اصلی انتقال آداب، رسوم، فرهنگ و هنرهای سالم جامعه به نسل بعدی است. توجه به این موضوع و اعمال راهکارهای مناسب جهت افزایش رضایت زناشویی در زوجین از طرق مختلف و همچنین تلاش در جهت بهبود همسرگزینی و انتخاب مناسب و آگاهانه همسر و کمک به آنها برای ایجاد شادمانی و رضایت از زندگی، ضروری به نظر می‌رسد. بیشتر پژوهش‌هایی که در کشور ما در زمینه علل گسست پیوندهای زناشویی

و نارضایتی زوجین از زندگی زناشویی صورت گرفته بر متغیرهای کلان از جمله وضعیت اقتصادی، کاهش درآمد خانواده، بیکاری، سطح تحصیلات، مذهب، سن و چالش‌های فرهنگی - اجتماعی تأکید نموده‌اند. در حالیکه نقش این عوامل را در افزایش نارضایتی‌ها و ناسازگاری‌های زناشویی نمی‌توان نادیده گرفت. اکثر پژوهشگران از عوامل درون فردی، یعنی صفات و ویژگی‌های شخصیتی، که در دراز مدت و بصورت پایدار رضایت زوجین از زندگی مشترک را متأثر می‌سازد، غفلت کرده‌اند. از جمله مهم‌ترین و بانفوذترین مدل‌ها در بررسی صفات شخصیت در دهه‌های اخیر مدل پنج عاملی بوده است که بیش از همه پژوهش در حوزه شخصیت را به خود اختصاص داده است. الگوی پنج عاملی توافقی است میان روانشناسان صفات که پنج بعد یا عامل اصلی در توصیف همه صفات شخصیت وجود دارد. این پنج عامل که به «پنج بزرگ»^۲ معروفند عبارتند از: روان آزاده خویی^۳، برونگرایی^۴، خوشایندی^۵، پذیرا بودن به تجربه^۶ و وجدانی بودن^۷ (پروین و جان ۱۳۸۱، ترجمه جوادی و کدیور).

در واقع رابطه زناشویی و ازدواج، پیوند دو شخصیت است، بنابر این ضروری است که با دیدگاهی آسیب‌شناختی به علل درون فردی ناسازگاری‌ها و نارضایتی‌های زناشویی و عدم موفقیت در ازدواج‌ها پرداخته و نقش عوامل شخصیتی در رضایت زناشویی مورد بررسی قرار گیرد. هر یک از همسران با پیشینه تحولی و سبک شخصیتی و ترکیب عوامل زیست‌شناختی، محیطی و تجربی گوناگون به زندگی مشترک قدم می‌گذارند و یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهند که عوامل و ابعاد شخصیتی بهتر از متغیرهای تقویمی مثل سن، تحصیلات یا سابقه جدایی در گذشته کیفیت رابطه زناشویی را پیش بینی می‌کند (بنتلر و نیوکمپ، ۱۹۹۸). نتایج یافته‌های

2. Big Five
3. neuroticism
4. extraversion
5. agreeableness
6. openness
7. conscientiousness

1. marital satisfaction



در ۹۹ زوج متاهل بررسی شد. نتایج نشان داد که شباهت همسری در ابعاد وجدانی بودن، خوشایندی و روان آزرده خوبی، با سازگاری و رضایت زناشویی ارتباط داشت (اولسون و نیمچک ۱۹۹۹). در تحقیقی دیگر رابینز، کاسپی و موفیت (۲۰۰۰) دریافتند که شباهت در روان آزرده خوبی با رضایت بیشتر در روابط زوجین همراه بود. در یک پژوهش بین مقطعی از ازدواج زوجین جوان (میانگین مدت ازدواج تقریباً ۱۰ سال) گاتیس و همکاران (۲۰۰۴) دریافتند زوجین آشفته ای که در جستجوی مشاوره بودند نسبت به گروه گواه بطور معناداری در خوشایندی با یکدیگر اختلاف داشتند. همینطور لوو و کلونن (۲۰۰۵) دریافتند که شباهت زوجین در متغیرهای شخصیتی با رضایت بیشتر در روابط زناشویی همراه بود. از این مطالعات بعضی هیچ شواهدی را برای ارتباط بین این دو دریافتند. مثلاً در یک مطالعه بین مقطعی بر روی زوجین واتسون و همکارانش (۲۰۰۴) تأثیری از شباهت در هر یک از پنج صفت بزرگ شخصیتی را بر روی رضایت زناشویی پیدا نکردند. بعضی مطالعات انجام شده از فرضیه مکمل بودن حمایت می‌کنند. برای مثال دریر و هورویتز (۱۹۹۷) به نقل از شیوتا و لونسون (۲۰۰۷) دریافتند مشارکت کنندگان (در آزمایش) گزارش کردند که در مورد سطوح سلطه‌گری و سلطه‌پذیری شان، تمایل بیشتری نسبت به همسران با ویژگی مکمل دارند.

در یک پژوهش طولی که شیوتا و لونسون (۲۰۰۷) ارتباط بین شباهت در پنج عامل بزرگ شخصیت و رضایت زناشویی را در دوره‌های طولانی مدت بررسی کردند نشان دادند که شباهت بیشتر در ویژگی‌های شخصیتی شیب‌های منفی تری را در خط سیرهای رضایت زناشویی پیش بینی کرد. علاوه بر این شباهت زناشویی در صفات وجدانی بودن و برونگرایی بطور قوی تری رضایت زناشویی منفی را در بین زوجین، پیش بینی کرد. بنابراین با توجه به نتایج متناقضی که در تحقیقات

جدیدتر نشان می‌دهد که شخصیت همسر می‌تواند تأثیر مهمی بر توانایی فرد در مقابله و بهبودی (و شاید زنده ماندن) از یک بیماری مهلک و تهدید کننده بگذارد و حتی می‌تواند سطح افسردگی همسر را در هیجده ماه بعد پیش‌بینی کند (سانتانا، ۲۰۰۷). سالها است به این واقعیت اشاره می‌شود که ازدواج‌هایی مناسب هستند که طرفین در زمینه‌های مختلف مانند عادت‌ها، سلیقه‌ها، نگرش‌ها، موقعیت اقتصادی - اجتماعی و ویژگی‌های شخصیتی مشابه باشند. نتایج پژوهش‌های متعدد نشان می‌دهد که شباهت بین همسران در ابعادی نظیر وضعیت اجتماعی - اقتصادی، زمینه تحصیلی و آموزشی، سن، قومیت، مذهب، جذابیت جسمانی، هوش، نگرش‌ها و ارزش‌ها سطوح بالاتری از رضایت زناشویی و احتمال کمتری از جدایی و طلاق را پیش‌بینی می‌کند (شیوتا و لونسون، ۲۰۰۷).

اما آیا شباهت در شخصیت زوجین رضایت بیشتری در روابط زناشویی را پیش‌بینی می‌کند یا نه؟ جایگزین مناسب برای این فرضیه (شباهت)، فرضیه مکمل بودن است که توسط وینچ (۱۹۷۴) مطرح شده است. طبق فرضیه مکمل بودن، هنگامی که همسران در صفات یا ویژگی‌های شخصیتی متفاوت باشند، نسبت به موقعی که آنها در این ویژگی‌ها مشابه هستند، ممکن است رضایت بیشتری از زندگی زناشویی خود داشته باشند. لذا این سؤال مطرح می‌شود که تشابه و یا بالعکس تفاوت زوجین در صفات و ویژگی‌های شخصیتی شان چه نقشی در افزایش و یا کاهش رضایتمندی آنها از زندگی زناشویی دارد؟

برخی مطالعات نشان می‌دهند که بعضی افراد، کسانی را بعنوان همسر انتخاب می‌کنند که ویژگی‌های مشابه با آنان داشته باشند. در پژوهشی ارتباط میان سازگاری زناشویی و شباهت شخصیت همسر بر اساس مدل پنج عاملی شخصیت،



مربوط به ۵ عامل شخصیت و رضایت زناشویی به ترتیب از پرسشنامه‌ی جدید پنج عاملی شخصیت NEO-F-F-I و پرسشنامه ENRICH^۱ استفاده شده است. پس از انتخاب افراد گروه نمونه در هر یک از خوابگاه‌ها دو پرسشنامه (یک پرسشنامه NEO-FF-I و یک پرسشنامه ENRICH) در اختیار هر کدام از زوجین قرار گرفت، پس از توضیحات کامل در مورد نحوه‌ی تکمیل هر یک از پرسشنامه‌ها از آنها خواسته شد که در زمان مقرر و با نهایت دقت و حوصله به پاسخگویی به آن مبادرت ورزند.

پرسشنامه NOE-FF-I: این پرسشنامه فرم کوتاهی از پرسشنامه‌ی تجدید نظر شده NEO (NEO-P1-R)، کاستا و مک‌گری، (۱۹۹۲) است که یک پرسشنامه ۶۰ ماده‌ای است و ۵ بعد شخصیت بهنجار را اندازه‌می‌گیرد و شامل ۱۲ ماده برای هر یک از ۵ بعد می‌باشد. از آزمودنی خواسته شد که بر روی یک مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای، میزان انطباق عبارت ارائه شده با نظرات خودش را از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم مشخص نماید. پایایی پرسشنامه بر اساس ضریب آلفای کرونباخ گزارش شده توسط مک‌گری و کاستا بین ۰/۷۴ تا ۰/۸۹ با میانگین ۰/۸۱ متغیر بوده است. روایی همزمان پرسشنامه با استفاده از پرسشنامه مایرز بریگز، پرسشنامه شخصیتی مینه سوتا، پرسشنامه‌ی تجدید نظر شده کالیفرنیا، و پرسشنامه گیلفورد و زاگرمین بالا گزارش شده است.

پرسشنامه ENRICH: این پرسشنامه برای ارزیابی زمینه‌های بالقوه مشکل‌زا یا شناسایی زمینه‌های قوت رابطه زناشویی بکار می‌رود. پرسشنامه‌ی انریچ یک نسخه ۱۱۵ سئوالی و نسخه دیگر آن ۱۲۵ سئوالی است. نسخه ۱۲۵ سئوالی دارای ۱۴ خرده مقیاس است. پرسشنامه‌ی مورد استفاده در این پژوهش نسخه ۴۷ سئوالی است که توسط سلیمانان (۱۳۷۳) از نسخه ۱۱۵ سئوالی اقتباس گردیده است و ۱۲ خرده

مختلف بدست آمده، در پژوهش حاضر به منظور بررسی تاثیر ابعاد شخصیتی مشابه و مکمل زوجین در رضایت زناشویی دو سوال تدوین شده زیر مورد آزمون قرار می‌گیرد:

۱- آیا بین شباهت زوجین در ابعاد شخصیتی و رضایت زناشویی رابطه وجود دارد.

۲- آیا بین مکمل بودن زوجین در ابعاد شخصیتی و رضایت زناشویی رابطه وجود دارد.

روش

جامعه آماری، روش نمونه‌گیری و حجم نمونه

جامعه مورد نظر در این پژوهش شامل کلیه دانشجویان متاهل دانشگاه‌های دولتی شهر تهران، ساکن در خوابگاه‌های متاهلی، می‌باشند. نمونه‌گیری با استفاده از روش خوشه‌ای تصادفی انجام شد. پس از آنکه از طریق روش نمونه‌گیری خوشه‌ای خوابگاه‌های متاهلی مورد نظر از بین تمام دانشگاه‌های شهر تهران انتخاب گردید، به دفتر سرپرستی هر یک از خوابگاه‌ها مراجعه و لیست تمام اعضای ساکن در خوابگاه‌ها تهیه شد. سپس از طریق انتخاب تصادفی نمونه مورد نظر انتخاب گردید. حجم نمونه پژوهش بر اساس میزان همبستگی مورد نیاز مطالعات گذشته و همچنین از طریق فرمول برآورد اندازه نمونه (دلاور، ۱۳۸۰)، ۱۷۴ دانشجوی متأهل (۸۷ زوج) می‌باشد. همچنین بیشترین فراوانی آزمودنی‌ها از لحاظ دامنی سنی ۲۶-۳۰ سال (۴۶٪)، از لحاظ مدت ازدواج ۳-۴ سال (۲۴/۱٪)، از لحاظ میزان تحصیلات دانشجوی دکترا (۳۰/۵٪)، از لحاظ تعداد زوجین بدون فرزند (۵۲/۹٪) و از لحاظ وضعیت شغلی، شاغل (۴۳/۷٪) می‌باشند.

ابزار: در این پژوهش برای گردآوری اطلاعات و داده‌های



برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از شاخص‌های آمار توصیفی شامل: میانگین، انحراف استاندارد و همچنین از شاخص‌های آمار استنباطی شامل ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون گام به گام و آزمون t مستقل (برای ارزیابی تفاوت میزان رضایت زناشویی زوجین بر حسب مشابهت و مکمل بودن ابعاد شخصیتی) استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

جدول شماره (۱) شاخص‌های آماری مختلف از جمله فراوانی، حداقل نمره، حداکثر نمره، میانگین و انحراف معیار متغیرهای مختلف پژوهش به تفکیک گروه مردان، زنان و کل زوجین را نشان می‌دهد.

برای مشخص کردن میزان شباهت و مکمل بودن زوجین در عوامل شخصیتی از آزمون t مستقل استفاده شده است که تفاوت معنا دار بین عامل شخصیتی زن و مرد به منزله عامل مکمل و عدم تفاوت معنا دار به منزله مشابه بودن در آن عامل است. جدول شماره (۲) به بررسی نتایج آزمون T و شناسایی عوامل شخصیتی مشابه و مکمل پرداخته است که در نهایت روان آزرده خوبی به عنوان عامل مکمل و برونگرایی، خوشایندی، گشودگی به تجربه و وجدانی بودن به عنوان ابعاد مشابه شناسایی شدند.

در خصوص سوال اول پژوهش: «آیا بین شباهت زوجین در

مقیاس دارد. نمره بالا در این پرسشنامه نشانه رضایت زناشویی بیشتر و بالعکس، نمره پایین نشانه رضایت زناشویی کمتر است. نمره‌گذاری محاسبه شده برای این نسخه از نوع مقیاس T است که در آن میانگین برابر با ۵۰ و انحراف استاندارد ۱۰ می‌باشد. در این مقیاس: نمره‌های کمتر از ۳۰ نشانگر نارضایتی شدید، نمره‌های بین ۳۰ تا ۴۰ نشانگر عدم رضایت نسبی، نمره‌های بین ۴۰ تا ۶۰ نشانگر رضایت نسبی و متوسط، نمره‌های بین ۶۰ تا ۷۰ نشانگر رضایت زیاد و نمره‌های بالاتر از ۷۰ نشانگر رضایت فوق‌العاده همسران از روابط زناشویی است.

ضریب آلفای پرسشنامه‌ی انریچ محاسبه شده توسط اولسون، فوریتز و دراگمن (۱۹۸۹)، برای خرده مقیاسهای تحریف‌آرمانی، رضایت زناشویی، مسائل شخصیتی، ارتباط، حل تعارض، مدیریت مالی، اوقات فراغت، رابطه جنسی، فرزندان و فرزندپروری، خانواده و دوستان و نقش‌های مساوات طلبی به ترتیب زیر است: ۰/۹۰، ۰/۸۱، ۰/۷۳، ۰/۶۸، ۰/۷۵، ۰/۷۴، ۰/۷۶، ۰/۴۸، ۰/۷۷، ۰/۷۲، ۰/۷۱. در پژوهش سلیمانان (۱۳۷۳) ضریب پایایی این پرسشنامه به صورت آلفا محاسبه و عدد ۰/۹۳ بدست آمد. ضریب همبستگی پرسشنامه ENRICH با مقیاس‌های رضایت خانوادگی از ۰/۴۱ تا ۰/۶۰ و با مقیاس‌های رضایت از زندگی ۰/۳۳ تا ۰/۴۱ بدست آمده که نشانه‌ی روائی‌ساز آن است.

شاخص‌های آماری متغیرها	تعداد			حداقل نمره			حداکثر نمره			میانگین			خطای استاندارد			انحراف استاندارد	
	مردان	زنان	کل	مردان	زنان	کل	مردان	زنان	کل	مردان	زنان	کل	مردان	زنان	کل	مردان	زنان
رضایت زناشویی	۱۸	۲۱	۱۸	۶۵	۶۵	۶۵	۴۵/۹۵	۴۵/۰۲	۴۶/۶	۰/۹۷	۱/۱	۰/۷۱	۰/۸	۰/۴۲	۰/۲۸	۰/۸	۰/۴۲
وجدانی بودن	۱۱	۱۴	۱۱	۴۸	۴۸	۴۸	۳۳/۴۰	۳۲/۶۸	۳۵/۱۲	۰/۷۵	۰/۶۵	۰/۵	۰/۶۶	۰/۰۸	۰/۵۶	۰/۰۸	۰/۶۶
روان آزرده خوبی	۳	۱	۳	۴۱	۴۱	۳۸	۱۹/۶۷	۲۱/۵۶	۱۷/۷۷	۰/۸۵	۰/۹۶	۰/۸۵	۰/۹۶	۰/۹۶	۰/۶۷	۰/۹۶	۰/۹۶
برونگرایی	۱۲	۱۲	۱۲	۴۲	۴۲	۴۰	۲۸/۲۸	۲۷/۸۸	۲۸/۶۷	۰/۶۰	۰/۶۸	۰/۴۶	۰/۶۷	۰/۳۵	۰/۱۰	۰/۳۵	۰/۳۵
گشودگی به تجربه	۱۰	۱۵	۱۰	۴۲	۴۲	۳۸	۲۷/۶۴	۲۸/۱۰	۲۷/۱۶	۰/۵۶	۰/۵۹	۰/۴۱	۰/۴۰	۰/۵۵	۰/۲۸	۰/۵۵	۰/۵۵
خوشایندی	۱۴	۱۹	۱۴	۴۷	۴۷	۴۳	۳۲/۵۴	۳۲/۹۷	۳۲/۱۰	۰/۵۵	۰/۵۷	۰/۴۰	۰/۱۷	۰/۳۹	۰/۲۸	۰/۳۹	۰/۳۹

جدول ۱- شاخص‌های توصیفی متغیرهای رضایت زناشویی و ابعاد شخصیت در مردان، زنان و کل زوجین



سولفه ها	شاخصهای آماری گروهها	تعداد	آزمون t	درجات آزادی	سطح معناداری
روان آزرده	مرد	۸۷	۳/۹۵	۱۷۳	۰/۰۰۴
خویی	زن	۸۷			
برون گرای	مرد	۸۷	۰/۷۳	۱۷۳	۰/۴۶۶
	زن	۸۷			
خوشایندی	مرد	۸۷	۱/۰۹	۱۷۳	۰/۲۸
	زن	۸۷			
گشودگی به تجربه	مرد	۸۷	۱/۱۲	۱۷۳	۰/۲۶۱
	زن	۸۷			
وجدانی بودن	مرد	۸۷	۱/۳۳۸	۱۷۳	۰/۱۵۲
	زن	۸۷			

جدول ۲- مقایسه عوامل پنج گانه شخصیتی در بین زن و مرد (زوجین)

ابعاد شخصیتی و رضایت زناشویی آنان رابطه وجود دارد؟» نتایج نشان داد که از بین ۴ عاملی که به عنوان ابعاد مشابه شناسایی شدند به ترتیب بین مشابه بودن در ابعاد خوشایندی و برونگرایی با رضایتمندی زناشویی رابطه معناداری ($p < 0/01$) وجود دارد. مقدار این ضرایب همبستگی به ترتیب $r = 0/286$ و $r = 0/343$ می باشد. در مجموع این دو عامل توانسته اند $R^2 = 0/118$ از واریانس رضایت زناشویی را تبیین کنند.

معناداری وجود دارد لذا بر این اساس، به عنوان عامل مکمل بودن انتخاب گردید. ضریب همبستگی بین مکمل بودن در روان آزرده خویی با رضایت زناشویی محاسبه شده در جدول (۴) آمده است. همانطور که در نتایج جدول (۴) مشاهده می شود رابطه منفی و معناداری بین مکمل بودن در روان آزرده-خویی با رضایتمندی زناشویی معنی دار است ($P < 0/01$)، و نتیجه گرفته می شود که هر چه زوجین در بعد شخصیتی روان آزرده خویی مکمل باشند رضایت زناشویی آنان کمتر است.

در خصوص سوال دوم پژوهش که بیان می کند «آیا بین مکمل بودن زوجین در ابعاد شخصیتی و رضایت زناشویی آنان رابطه وجود دارد؟»، جدول ۲ نشان می دهد روان آزرده خویی، به عنوان تنها بعدی است که میان زنان و مردان تفاوت

بحث و نتیجه گیری

شاخصهای آماری متغیرها	مقدار b	مقدار بتا	مقدار R^2	خطای استاندارد	مقدار t	سطح معناداری
گام اول مقدار ثابت	۳۹/۶۴		۰/۰۸۲	۴/۲۲	۷/۰۰۹	
خوشایندی	۰/۵۰۱	۰/۲۸۶		۰/۱۲۸	۳/۹۰۹	۰/۰۰
گام دوم مقدار ثابت	۲۸/۰۴		۰/۱۱۸	۴/۲	۶/۶۸	
خوشایندی	-/۴۸۲	-/۲۷۵		-/۱۳۶	۳/۸۲	۰/۰۰
برونگرایی	۳۷/۰۴۱	۰/۱۹۱		۰/۰۲۸	۲/۶۵	۰/۰۰۹

جدول ۳- رگرسیون گام به گام مربوط به عاملهای مشابه پیش بینی کننده رضایت زناشویی



عنوان همسر انتخاب می‌کنند که ویژگی‌های مشابه با ویژگی‌های آنها داشته باشند تا بدین وسیله در محیطی قرار بگیرند که خصوصیات شخصیتی‌شان ثابت و پایدار باقی بماند. بنابراین شباهت در ابعاد شخصیتی خوشایندی و برونگرایی تاثیر قابل توجهی بر رضایت زوجین از زندگی زناشویی دارد.

همانطور که قبلاً اشاره شد، از بین ۵ عامل، تنها عاملی که بین زنان و مردان در آن تفاوت معناداری وجود داشت، بعد روان‌آزرده‌خویی بود. بنابراین به عنوان عامل مکمل انتخاب گردید. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که رابطه منفی و معناداری بین مکمل بودن در بعد روان‌آزرده‌خویی و رضایت زناشویی وجود دارد. به این معنی که میزان بالای عامل روان‌آزرده‌خویی با کاهش رضایت زناشویی همراه است. نتیجه حاصل از این تحقیق به گونه‌ای دیگر در پژوهش‌های کلی و کونلی (۱۹۸۷)، کارنی و برادبری (۱۹۹۵) واتسون و همکاران (۲۰۰۴)، بارلدز (۲۰۰۵)، دونلان، کانجر و برینت (۲۰۰۵) و فیشر و مک‌نالتی (۲۰۰۸) نیز بدست آمده است.

آنچه در تبیین این یافته می‌توان گفت این است که در هر یک از همسران روان‌آزرده‌خویی بالا توانایی لذت بردن از زندگی و رضایت زناشویی را هم در خودشان و هم در همسرانشان کاهش می‌دهند و جا برای تعاملات منفی و افزایش درگیری در روابط بین زوجین باز می‌شود. علاوه بر اینها روان‌آزرده‌خویی در بردارنده انواع هیجانهای منفی مانند ترس، غم، خشم، برانگیختگی و... است و از آنجا که هیجان مخرب در سازگاری فرد و محیطش تاثیر دارد، در زن و مردی که دارای نمرات بالا در روان‌آزرده‌خویی باشند احتمال بیشتری وجود دارد که دارای باورهای غیرمنطقی باشند، قدرت کمتری در کنترل تکانه‌ها داشته باشند و درجه‌های انطباق ضعیف‌تری با یکدیگر و در شرایط فشار روانی را نشان دهند. در

شاخص‌های آماری	تعداد	ضریب همبستگی	سطح معناداری
روان‌آزرده‌خویی (عامل مکمل) و رضایت زناشویی	۱۷۴	-۰/۳۳۵	۰/۰۰۰

جدول ۴- همبستگی بین مکمل بودن در ابعاد شخصیت و رضایت زناشویی

در این پژوهش وجود تفاوت معنادار بین ابعاد شخصیتی زن و مرد به منزله مکمل بودن و عدم تفاوت معنادار به منزله مشابهت بودن در آن عامل تلقی گردید؛ که در نهایت عامل روان‌آزرده‌خویی به عنوان بعد مکمل بودن و ۴ عامل دیگر به عنوان ابعاد مشابه بودن شناسایی شدند. نتایج پژوهش نشان داد، از بین ۴ عاملی که بعنوان ابعاد مشابه شناسایی شدند به ترتیب بین مشابهت بودن در ابعاد خوشایندی و برونگرایی با رضایت زناشویی رابطه معناداری وجود داشت و تنها این ۲ عامل (به عنوان ابعاد مشابه) توان پیش‌بینی متغیر رضایت زناشویی را داشتند. این نتایج مطابق با نتایج پژوهش‌های اولسون و نیمچک (۱۹۹۹) می‌باشد که شباهت در بعد خوشایندی را با رضایت زناشویی مرتبط دانستند و هم‌بندطور سیمپسون و چرستنس (۲۰۰۴) به نقل از شیوتا و لونسون، (۲۰۰۷) و لوو و کلونن (۲۰۰۵) نیز، مشابه با نتایج این پژوهش، دریافتند که شباهت زوجین در متغیرهای شخصیتی بویژه خوشایندی با رضایت بیشتری در روابط زناشویی همراه بود. بنابراین با توجه به نتایج بدست آمده از این پژوهش و پژوهش‌های مشابه چنین می‌توان نتیجه‌گیری کرد شباهت در ویژگی‌های شخصیتی خوشایندی و برونگرایی افزایش رضایت زوجین از زندگی زناشویی را به همراه دارد.

در تبیین این نتایج می‌توان گفت که افراد برای عقاید و سلیقه‌های خود ارزش قائلند و از معاشرت با کسانی که انتخاب‌های آنها را تایید می‌کنند لذت می‌برند و چه بسا از این راه عزت نفس آنها هم تقویت می‌شود. بنابراین کسانی را به



دلاور، علی (۱۳۸۰). آمار و احتمالات کاربردی در روانشناسی و علوم تربیتی. تهران: انتشارات رشد.
 سلیمانیان، علی اکبر (۱۳۷۳). بررسی تاثیر تفکرات غیر منطقی بر نارضایتی زناشویی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم.

English references

- Barelds, P. H. (2005). Self and partner personality in intimate relationships. *European journal of personality*. Vol,19 (p:501-518)
- Bentler, P. M, New comb. M. D, (1998). Longitudinal study of marital success and Failure. *Journal of staling and clinical Psychology* vol,46, p, 1053-1070.
- Bouchard and et all (1999).personality and marital adjustment: utility of the five - factor model of personality: *journal of marriage, and family*.61, 651-660.
- Costa, P. T. jr, & McCrae. R. R.(1992).Revised NEO personality (NEO-PI-R) and NEO Five-Factor (NEO-FF-I) professional manual. Odessa FF, psychological Assessment Resources.
- Donnellan. B. M, Conger. R. D, Bryant. Ch. M (2005). The Big five and enduring marriages. *Journal of Research in personality*. Vol39. (p 206-207).
- Fisher. T. D, McNulty. j. (2008). Neuroticism and marital satisfaction: the mediating role played by the sexual relationship. *Journal of family psychology*. vol22 (1)112-122.
8. Gattis K.S, Bern's, Simpson. L.E & Christenson (2004). Birds of a feather or strange birds? Ties among personality dimensions, similarity, and marital, *Fame psychol*. 18(4):564-74.
- Karney , B. R. & bradbury, T. N (1995). The longitudinal cours of marital quality and stability: A new of theory, method and research. *Psychological bulletin*, 118, 3-34
- Karney, B. R, bradbury, T. N . cleiksohn.j, & golan. (1994). Attribution in marriage: state or trait? A growth curv analysis. *Journal of pesonality and social psyhology*, 78, 295- 309.
- keley, M. Y, conley,C. F (1987). Personality and marital satisfaction. . *Journal of pesonality and social psychology*. 61, 487-540.

نتیجه وجود سطح بالایی از این عامل در هر یک از زوجین میزان رضایت آنها را از زندگی زناشویی کاهش می دهد (بوچارد و همکاران، ۱۹۹۹).

در پایان پیشنهادهای کاربردی با توجه به نتایج این تحقیق را می توان در چندین زمینه مطرح کرد. یکی اینکه اهمیت عوامل و صفات شخصیتی در رضایت و سازگاری زناشویی غیر قابل تردید است. لذا لازم است روانشناسان و مشاوران ازدواج در مشاوره قبل از ازدواج اهمیت بیشتری به آن بدهند. بنابراین ارزیابی صفات و ویژگی های شخصیتی زوجین و همین طور مشابهت و مکمل بودن در این ابعاد می تواند نقش بسزایی در همسرگزینی های مناسب و جلوگیری از ناسازگاری ها و نارضایتی های زناشویی داشته باشد. همینطور ارزیابی و آگاهی از ویژگی های شخصیتی یکدیگر از طرف خود زوجینی که قصد ازدواج دارند نیز بسیار کمک کننده است. بدین منظور لازم است زوجین قبل از ازدواج مدت نسبتا مناسبی را برای آشنایی و آگاهی از خصوصیات شخصیتی یکدیگر اختصاص دهند. در نهایت نتیجه بدست آمده در این پژوهش، مبنی بر وجود رابطه مثبت بین شباهت در ابعاد برونگرایی و خوشایندی با رضایتمندی زناشویی و رابطه منفی بین مکمل بودن در روان آزاده خویی با رضایت زناشویی، در نظر گرفتن این نکات از سوی زوجین و بکارگیری آن توسط مشاورین ازدواج می تواند کمک کننده باشد.

در بیان محدودیت های پژوهش حاضر باید گفت که انجام آن در جامعه دانشگاهی و در شهر تهران می تواند مشکلاتی در زمینه ی اعتبار و امکان تعمیم نتایج آن ایجاد کند و انجام چنین پژوهشی در نمونه و جامعه غیر دانشگاهی و غیر تهرانی امکان تعمیم پذیری را در سطحی وسیعتر فراهم می سازد.

فهرست منابع فارسی

- پروین. لارنس، جان. الیور. پی. (۱۳۸۱) شخصیت: نظریه و پژوهش. ترجمه محمد جعفر جوادی، پروین کدیور. تهران: آبیژ.



Luo, S. & Klohnen, E. C (2005). Assortative mating and marital quality in Newlyweds: A couple - Centered an approach. *Journal of personality and social psychology*, 88, 304-326.

Olson, G. E, fureit, H. P, druckman, S. A (1989). *Marriage and family*, 3th(ed). California: wadworth.

Olson. R. R & Nemchek. S (1999). Five factor personality similarity and marital adjustment. *Social Behavior and personality: An International Journal*. (P):309-317.

Robins. R. W, caspi, A, & Moffitt, T. E (2000). Two personalities, one relationship: Both partners' personality traits shape the quality of their relationship. *Journal of personality and social psychology*, 79, 251-259.

Santayana, G (2007). Spouse's personality may be hazardous to your health. *Weds worth*.

Shiota, M. N & Levenson, R. W (2007). Birds of feather don't Always fly farthest: similarity in big five personality predicts more negative marital satisfaction trajectaries in long - term marriages. *Journal of psychology and aging*. Vol: 22, No, 4,666-675.

Watson, D. Hubbard, B. & wiese. D. (2000). General traits of personality and affectivity as predictors of satisfaction in intimate relationship: evidence from self and partner - ratings. *Journal of personality*. 63:3.

Watson, D. Klohnen, E. C, casillas. A., simms. E., Haig, j. & Berry, D. S. (2004). Match makers and breakers: Analyses of assortative mating in newlywed couples. *Journal of personality*, 12, 1029-1068.

White, j. K, hendrich, S & hendrich, C (2004). Big five personality variables and relationship constructs. The enneagram institute Discussion Board.

Winch, R (1974). *Selected studies in marriag and the family*. New york: hitrin rhurt and winston, ine.

تاریخ دریافت: ۸۷/۵/۲۹

تاریخ بازنگری: ۸۷/۶/۲۵

۸۷/۷/۲

۸۷/۷/۹

پذیرش نهایی: ۸۷/۱۱/۲

